

Research Paper

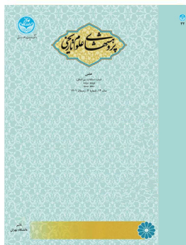
doi 10.22059/JHSS.2023.353578.473620

## The Effect of Natural Crises on the Condition of Villagers in Isfahan Province during the Pahlavi Period 1925-1978

Shahrzad Mohammadi Aeen<sup>1</sup>, Ali Akbar Jafari<sup>2,\*</sup>, Ali Akbar Kajbaf<sup>3</sup>

1. PhD Candidate History of Islamic Iran, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-Mail: [shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com](mailto:shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com)
2. Corresponding author, Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-Mail: [a.jafari@ltr.ui.ac.ir](mailto:a.jafari@ltr.ui.ac.ir)
3. Professor of History, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-Mail: [kajbaf@ltr.ui.ac.ir](mailto:kajbaf@ltr.ui.ac.ir)

Article Info.	Abstract
Received: 2023/01/09 Accepted: 2023/07/19	Unsuitable climatic conditions and natural crises are among the most important dangers that expose the lives of villagers and the existence of villages to various threats. The death of humans and animals, destruction of houses and underground water network, loss of crops and lack of food, poverty, unemployment and migration are examples of these threats. Examining the available documents and reports from the Pahlavi period shows that among the natural hazards in Isfahan province, drought, flood and plant pests had the most negative impact on the villages. Based on this, the present research aims to answer this question with a descriptive-analytical method and based on the information obtained from library and documentary sources. Why did the villagers of Isfahan province leave the villages during the Pahlavi period in the face of natural crises? The aim of the research is to analyze the effects of drought, flood and plant pests on the condition of the villagers of Isfahan province during the Pahlavi period. The results of the research show that the consequences of the aforementioned events, including the instability of the agricultural economy, unemployment and poverty, greatly affected the lives of the villagers of Isfahan province during the Pahlavi period. The lack of rural construction credits and the agricultural sector, lack of specialized human resources in rural planning and informed with crisis management, the concentration and lack of employment opportunities in the villages also strengthened the harmful effects of these factors. As a result, poor villagers had no choice but to migrate due to the loss of minimum living facilities, and this phenomenon was constantly growing. Focus on a social issue at a point in the past history of Isfahan province using newly found documents and review and analyze the data available in this category of sources, it indicates the novelty of the subject.
<b>Keywords:</b> <i>Employment, Migration, Natural Crises, Pahlavi Period, Village.</i>	
<b>How To Cite:</b> Mohammadi Aeen, Sh., Jafari, A. A., & Kajbaf, A. A. (2023). The effect of natural crises on the condition of villagers in Isfahan province during the Pahlavi period 1925-1978. <i>Journal of Historical Sciences Studies</i> , 15(1), 93-126.	
<b>Publisher:</b> University of Tehran Press.	



# فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۳۳



مقاله علمی-پژوهشی

## تأثیر بحران‌های طبیعی بر وضعیت روستایان استان اصفهان در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷)

شهرزاد محمدی آئین<sup>۱</sup>، علی اکبر جعفری<sup>۲\*</sup>، علی اکبر کجباف<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com](mailto:shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com)

۲. نویسنده مسؤل، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [a.jafari@ltr.ui.ac.ir](mailto:a.jafari@ltr.ui.ac.ir)

۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [kajbaf@ltr.ui.ac.ir](mailto:kajbaf@ltr.ui.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹	شرایط اقلیمی نامناسب و بحران‌های طبیعی از مهم‌ترین مخاطراتی است که زندگی روستاییان و موجودیت روستاها را در معرض تهدیدهای مختلف قرار می‌دهد. مرگ‌ومیر انسان‌ها و احشام، تخریب خانه‌ها و شبکه آب‌های زیرزمینی، از بین رفتن محصولات و کمبود مواد غذایی، فقر، بیکاری و مهاجرت، نمونه این تهدیدها است. بررسی اسناد و گزارش‌های موجود از دوره پهلوی نشان می‌دهد از میان مخاطرات طبیعی در استان اصفهان، سه بحران خشکسالی، سیل و آفات گیاهی بیشترین تأثیر منفی را در روستاها داشته است. براین اساس، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا روستاییان استان اصفهان دوره پهلوی در روبرویی با بحران‌های طبیعی، روستاها را ترک می‌کردند. هدف پژوهش، تحلیل آثار بحران‌های خشکسالی، سیل و آفات نباتی بر وضعیت روستاییان استان اصفهان در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷) است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد پیامدهای حوادث مزبور از جمله ناپایداری اقتصاد کشاورزی، بیکاری و فقر، بر زندگی روستاییان استان اصفهان در دوره پهلوی تأثیر نهاد. کمبود اعتبارات عمرانی روستایی و بخش کشاورزی، نبود نیروی انسانی متخصص در برنامه‌ریزی روستایی و آشنا با مدیریت بحران، تمرکزگرایی و فراهم نبودن فرصت شغلی در روستاها نیز اثرات زیان‌آور این عوامل را تقویت می‌کرد. در نتیجه روستاییان فقیر با توجه به از دست دادن حداقل امکانات زندگی خویش، راه‌حلی جز مهاجرت نمی‌یافتند و این پدیده پیوسته روبه‌رشد بود. تمرکز بر یک موضوع اجتماعی در مقطعی از تاریخ گذشته استان اصفهان با استفاده از اسناد نویافته و بررسی و تحلیل داده‌های موجود در این دسته از منابع، نشانگر نوآوری موضوع است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸	
واژه‌های کلیدی: اشتغال، بحران‌های طبیعی، روستا، دوره پهلوی، مهاجرت.	

استناد به این مقاله: محمدی آئین، شهرزاد، جعفری، علی اکبر، و کجباف، علی اکبر (۱۴۰۲). تأثیر بحران‌های طبیعی بر وضعیت روستاییان استان اصفهان در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷). فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۵(۱)، ۹۳-۱۲۶.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

تشکیل دولت مدرن در ایران دوره پهلوی، ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با شاخص‌های جدیدی ایجاد کرد. این تحولات از سال‌های اولیه پادشاهی رضاشاه شروع شد؛ اگرچه آرام، ابتدایی و فاقد طرح تدوینی منظم بود. پس از فروکش کردن بحران جنگ جهانی دوم در ایران، تشکیل سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷ و تدوین برنامه‌های عمرانی، توسعه در سطوح محلی و ملی در دستور کار دولت قرار گرفت. در چهار دوره برنامه عمرانی، به انجام اقدامات لازم برای مقابله با بحران‌های طبیعی، اشاره مستقیم نشده بود، اما در برنامه عمرانی پنجم<sup>۱</sup> (۱۳۵۲-۱۳۵۶) به مسئله پیش‌بینی و آمادگی در برابر بحران‌های طبیعی، توجه ویژه شد. به‌رغم این امر، به‌علت بی‌توجهی به بخش کشاورزی، غفلت از رابطه مستقیم بحران‌های طبیعی با توسعه اقتصادی، انواع نواقص و کمبودها در سازمان‌های مرتبط و ضعف مدیریت موجب شد تا این بحران‌ها همچنان به‌عنوان یک مخاطره، روستا و روستاییان را در معرض آسیب قرار دهد.

مهاجرت انسان‌ها برای به‌دست‌آوردن زیست‌بوم بهتر، یک جریان پیوسته تاریخی است. در تحلیل مهاجرت‌ها، اگرچه عوامل متعددی شناخته شده‌اند، دافعه مبدأ و جاذبه مقصد در همه آن‌ها مشترک است. مهاجرت در کوتاه‌مدت، به‌صورت کنترل‌نشده و دسته‌جمعی، آثار و بازتاب‌های ناخوشایندی برای روستاها و شهرها دربردارد. از نظر پژوهشگران، این جاذبه و دافعه با عوامل اقتصادی، یعنی شکاف درآمد کشاورزان در مقایسه با مشاغل شهری، توسعه‌نیافتگی روستاها یا انزوای اجتماعی و نیاز نزدیکی به شهرها در ارتباط هستند.

پدیده مهاجرت از روستاها اگرچه عمدتاً ناشی از استثمار دهقانان از جانب اربابان یا فشار مالیاتی سنگین حکام ایالات بر روستاییان بود، به‌تدریج آثار منفی مخاطرات طبیعی بر حیات روستائیان از اهمیت دو عامل پیشین کاست.

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد تاکنون پژوهش مستقلی به این موضوع نپرداخته است؛ هرچند برخی تحقیقات انجام‌شده، پدیده مهاجرت روستاییان را از زوایا یا در مناطق دیگر بررسی کرده‌اند. رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی (مطالعه موردی، روستاهای سیل‌زده حوضه گرگانرود استان گلستان)» عوامل مؤثر بر مدیریت مشارکتی مردم و مسئولان را در کاهش خسارات سیل و امکان تداوم سکونت در روستاهای دارای مخاطره شناسایی کردند. نقوی و بیگلری (۱۳۹۲) در مقاله «نقش مخاطرات طبیعی

۱. برای اطلاع بیشتر: ر.ک به مفاد برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) در خصوص مدیریت بحران‌های طبیعی.

(خشکسالی کشاورزی) در مهاجرت روستایی، با استفاده از روش SAW؛ نمونه موردی: دهستان شهدا شهرستان بهشهر» رابطه خشکسالی با مهاجرت روستایی را تحلیل کردند.

اگرچه بنیان این پژوهش‌ها بر بحران‌هایی مانند سیل و خشکسالی و رابطه آن‌ها با مهاجرت در مناطقی غیر از اصفهان قرار دارد، این دو تحقیق، به این موضوع در دو سه دهه اخیر پرداخته‌اند و مطالعه تاریخی محسوب نمی‌شوند. محور اصلی پژوهش در کتاب دولت و مقابله با حوادث طبیعی در یکصد و ده سال گذشته، نوشته علی حیدری نجات (۱۳۹۸)، سیاست‌گذاری عمومی دولت و ابعاد نظری مدیریت بحران در ایران است و نویسنده در این اثر، از آیین‌نامه‌ها و قوانین برنامه‌های عمرانی استفاده کرده است. تمرکز محمد مالجو (۱۴۰۰) در کتاب کوچ در پی کار و نان، بر عوامل مهاجرت مستمندان آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹، نتیجه مهاجرت‌ها و عملکرد دولت در برابر مشکلات ناشی از پدیده مهاجرت است. از نقاط قوت این کتاب، بهره‌گیری وسیع از اسناد سازمان اسناد است. همچنین محمدی آئین و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بیین عملکرد کدخدایان در مدیریت بحران‌های طبیعی روستاهای استان اصفهان در دوره پهلوی ۱۳۰۴-۱۳۵۷» با رویکردی تاریخی، موضوع بحران‌های طبیعی را در روستاهای استان اصفهان دوره پهلوی ارزیابی کردند. این پژوهش نیز ترک روستا و مهاجرت را در نظر نداشته و بر مدیریت بحران‌ها توسط کدخدایان تمرکز کرده است.

با توجه به اینکه آگاهی از تأثیرات حوادث طبیعی بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستاهای استان اصفهان در دوره پهلوی از اهمیت زیادی برخوردار است، بررسی این موضوع در دوره مورد بحث، مسئله و هدف این پژوهش است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و استناد به اسناد تاریخی عمدتاً نویافته، به این موضوع می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تکرارپذیری و اثرات حوادث طبیعی، نظیر رشد منفی تولیدات کشاورزی، سختی معیشت و بیکاری از یک سو و عوامل غیرمستقیم شامل محدودیت اعتبارات عمرانی، علمی، تجهیزاتی، تمرکزگرایی و نبود اشتغال جانبی در روستاها از سوی دیگر، مهم‌ترین علل ناپایداری جمعیت روستایی در دوره پهلوی بوده است.

### ۳. بحران‌های طبیعی و پدیده مهاجرت در اصفهان دوره پهلوی

مخاطرات طبیعی از مهم‌ترین پدیده‌هایی هستند که به‌ویژه در گذر تاریخی و روزگارانی که انسان‌ها با محدودیت‌های دانشی، فناوری، امکاناتی و مدیریتی روبه‌رو بودند، به بحران تبدیل شده‌اند. بحران‌های طبیعی را حوادث غیرعادی تعریف کرده‌اند که در اثر عملکردهای طبیعی به‌وجود می‌آیند،

خسارت‌های وسیعی را به یک مجموعه انسانی تحمیل می‌کنند و همه جوامع به گونه‌ای با آن مواجه هستند (محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۷). مدیریت بحران‌های طبیعی نیز سازمان‌دهی بحران و شامل تمامی اشکال فعالیت، اقدامات سازه‌ای و غیرسازه‌ای است که به منظور پیشگیری و محدودکردن اثرات زیان‌بار ناشی از مخاطرات طبیعی انجام می‌گیرد (علمداری، ۱۳۸۹: ۱۲۸). آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های طبیعی، بیشترین تأثیر را بر اقتصاد می‌گذارد و موجب ایجاد هزینه‌های اضافی و صرف منابع در مسیری غیر از فعالیت‌های تولیدی در جهت جبران خسارت‌ها می‌شود. بخشی از برنامه‌های پیشبرد توسعه باید به مدیریت بحران‌های طبیعی معطوف باشد؛ زیرا پیوندداشتن منطقی بین برنامه‌های توسعه روستایی و مدیریت بحران‌های طبیعی، تلاش‌های انجام‌شده در زمینه توسعه را با ناکارآمدی مواجه می‌کند (طبرسا، ۱۳۸۳: ۱۲، ۵۵؛ عابدی، ۱۳۷۷: ۶۰-۶۱)؛ بنابراین با کسب تجربه از گذشته و با هدف جلوگیری از هزینه‌های دوباره، دولت پهلوی در برنامه عمرانی پنجم، بخشی را به مدیریت بحران‌های طبیعی اختصاص داد.

مهاجرت به معنای جابه‌جایی جمعیت و تغییر دائم محل سکونت انسان‌ها مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، از جوانب گوناگون قابل تحلیل است (تاجزاده، ۱۳۹۸: ۱۹؛ زنجانی، ۱۳۹۴: ۹). بررسی تاریخی مهاجرت و مخاطرات طبیعی نشان می‌دهد ارتباط مستقیمی بین این دو وجود دارد؛ به گونه‌ای که با وقوع بحران در روستاها، پدیده مهاجرت شکل یا سرعت می‌گیرد؛ خواه مهاجرت داخلی یا خارجی باشد. به‌رغم اهمیت این دو نوع، این پژوهش بر مهاجرت‌های داخلی - درون استانی و برون استانی - در بررسی موضوع تکیه دارد.

طبق آمار فرهنگ جغرافیایی ستاد ارتش در سال ۱۳۳۲، استان اصفهان دارای ۵۹۴ روستا بوده است (فرهنگ جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۳۲، ج ۱۰: ۱۸). موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوایی استان اصفهان، این منطقه را در معرض انواع مخاطرات طبیعی به‌ویژه خشکسالی، سیل، آفات نباتی و... قرار داده است. این مخاطرات در زمان‌های گذشته به‌سرعت به بحران تبدیل می‌شدند و روستاها را در معرض انواع آسیب‌ها از جمله مرگ‌ومیر، تخریب خانه‌ها و تأسیسات آبیاری، از بین رفتن محصولات کشاورزی و در نتیجه قحطی و مهاجرت قرار می‌داد. از میان این خسارت‌ها، ترک روستا به دلیل اینکه بازخورد روستاییان محسوب می‌شد و امری ارادی بود، از اهمیت ویژه‌ای در بررسی وضعیت روستاها برخوردار است. گزارش‌های آماری از سه سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان (جدول‌های ۱ و ۲) نشان می‌دهد تمامی ده شهرستان استان، پیوسته با کاهش درصد جمعیت روستایی روبه‌رو بوده‌اند. اگرچه علل مختلفی موجبات مهاجرت آن‌ها را فراهم کرد، بحران‌های طبیعی، تنوع، تعدد و تکرار آن‌ها در دوره پهلوی و گزارش‌های سندی از این وقایع نشان

می‌دهد این مسئله با اثرات بسیار مخرب بر کیفیت زندگی کشاورزان، مهم‌ترین علت مهاجرت و ساکن شدن آن‌ها در شهرها بود.

### ۳-۱. خشکسالی

تقریباً اغلب نقاط اصفهان، میانگین بارندگی، بسیار اندکی داشته‌اند و این مقدار برای تولید محصولات کشاورزی چندان مناسب نبوده است. به همین علت، تولید غلات در دوره پهلوی، همیشه کمتر از نیاز بود و بیش از چند ماه از سال را تأمین نمی‌کرد؛ درحالی که گندم و جو، اساس زراعت و خوراک مردم اصفهان را تشکیل می‌داد. این نابرابری موجب شده تا پس از وقوع بحران‌های طبیعی، پدیده قحطی و کمبود محسوس مواد غذایی شکل گیرد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۷۷۹؛ عابدی، ۱۳۳۴: ۸۵؛ برقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

در سال ۱۳۰۷ و به دنبال کمبود آب چندساله در حوضه آبریز زاینده‌رود، وضعیت بحرانی شدت گرفت. عده‌ای از کشاورزان بلوک لنجان که درآمد خود را از دست داده بودند، به اجبار سکونت در شهرها را برگزیدند و بقیه نیز نامه نوشتند و منتظر کمک دولت شدند که آن‌ها را به مکان‌های آباد انتقال دهد یا کفالت مخارج الحاق رودخانه کارون به زاینده‌رود را «که به عایدات دولت اضافه خواهد شد»، قبول کند. اگر آن هم میسر نیست، یک‌سوم را مساعدت کند و دوسوم دیگر از عواید وصول شود. وزیر داخله، اجرای پیشنهاد اول را به یافتن محل مناسب موقوف کرد (ساکما، ۳۱۰/۶۴۷۳۶). اگرچه این خواسته هیچ‌گاه عملی نشد و اساساً تقاضایی منطقی نبود، نوع درخواست، حکایت از استیصال مردم روستاهای این ناحیه داشته است. حکمران اصفهان در سال ۱۳۱۱، به علت نبود بارندگی و احتمال کاهش آب ضمن اطلاعیه‌ای به کشاورزان اصفهان اعلام کرد افرادی که سهم آب از رودخانه دارند، در کشت برنج زیاده‌روی نکنند؛ زیرا موجب کاهش آب سایر روستاها می‌شود (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۲۸۵۱۲). شرایط آبیاری، اهمیت برنامه‌ریزی زراعی را در مورد کشت انواع محصولات تبیین می‌کند. مسئولان استانی و کشوری موضوع جایگزینی محصولات دیگر را به جای برنج در منطقه لنجان، همواره مطالعه و بررسی می‌کردند. گاهی نیز از کشت آن جلوگیری می‌شد، اما تا پایان برنامه عمرانی پنجم در سال ۱۳۵۶، همچنان در سطح وسیعی کشت برنج در لنجان ادامه یافت (اطلاعات، ۱۳۱۵، ش ۲۸۹۳: ۴؛ عطائی و همکاران، ۱۳۴۳: ۱۵۳، ۱۰۱، ۹؛ ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۷۸۵).

مشکلات خشکسالی، حتی مناطق مرطوب اصفهان را نیز درگیر کرده بود. بلوک فریدن<sup>۱</sup> در سال ۱۳۱۳، با مشکل سخت این‌گونه‌ای روبه‌رو شد. به گزارش وکیل ارکان حرب، مقدار غله‌ای که اداره دارایی اصفهان برای کمک به قحطی‌زدگان فریدن، فرستاد، کافی نبود. مردم در معرض مرگ قرار گرفتند و یک ماه به‌جای نان از علوفه، تغذیه می‌کردند. با وجود عمق فاجعه، نامه‌ای از مرکز رسید که «متأسفانه وزارت مالیه نه اعتباری برای این مساعده و نه جنسی در اصفهان موجود دارد» (ساکما، ۲۴۰/۲۵۱۷۹). با وقوع خشکسالی در سال ۱۳۱۹، سطح آب‌های زیرزمینی روستای یحیی‌آباد شهرضا پایین رفت و با اینکه قرار بود بانک کشاورزی بابت هزینه لایروبی قنات‌ها به خرده‌مالکان کمک کند، عده‌ای از روستاییان، محل زندگی خود را ترک کردند. جمعیت این روستا تا سال ۱۳۵۷ به‌شدت کاهش یافت (ساکما، ۹۷/۳۳۹/۲۳۳۴). در سال ۱۳۲۳ محصول غله روستاهای اسفیدواجان و آران کرون در معرض بی‌آبی و نابودی قرار گرفت و اغلب دهقانان گرفتار فقر و گرسنگی، به شهرها روی آوردند. پیگیری موضوع از سوی استاندار موجب شد تا وزارت دارایی، خرده‌مالکان را از تحویل مازاد غله معاف کند (ساکما، ۲۹۱/۳۶۷۳).

محصولات گندم و جو منطقه رودشت با کاهش بارندگی‌ها و پایین‌رفتن سطح آب رودخانه زاینده‌رود در سال ۱۳۲۶، در معرض خشک‌شدن قرار گرفت. کشاورزان به استاندار پیشنهاد کردند در کشتزارهای بالادست رودخانه، از کشت برنج در بهار خودداری یا زراعت آن را محدود کنند: «که جزئی آبی برودشت برسد و از تفرقه و ترک توطن دعاگویان جلوگیری گردد» (ساکما، ۳۱۰/۶۴۹۲۳). استاندار و رئیس اداره اقتصاد برای رفع تبعات منفی، با منع کشت برنج موافقت کردند. اجرای این نظر بدون تغییر در طومار شیخ بهایی<sup>۲</sup> و نظام دیرینه سهم‌بری از آب زاینده‌رود، نیاز به مطالعات کارشناسی ویژه داشت. به همین دلیل اداره کشاورزی، بررسی این موضوع را به دادگستری و مراجع صلاحیت‌دار محول کرد. شدت خشکسالی در سال ۱۳۲۷، نایابی نان را در دهستان عربستان در ناحیه گلپایگان روزبه‌روز گسترش می‌داد. در شکایت‌نامه روستاییان به عبدالله معظمی نماینده مجلس شورای ملی آمده است: «متأسفانه تاکنون مستدعیات اهالی به تشریفات اداری برگزار و چنین استنباط می‌شود اولیای امور این مطلب را امر عادی یا برخلاف حقیقت تلقی کرده‌اند. چنانچه

۱. تا پیش از سال ۱۳۱۶، روستاهای فریدن به نام یک دهستان به اسم فریدن تعیین شده است. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۲).

زیر نظر علی رزم‌آرا، ج ۱۰، بی‌جا: انتشارات دایرة جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۱۴۱.

۲. جریان زاینده‌رود از ۵۹۲ روستا با ۱۳۰ مادی (نهر آب) می‌گذشت و با اقدامات شیخ بهایی در دوره شاه عباس اول، ۱۸ مادی جدید به‌منظور جلوگیری از زدو خورد میان سهم‌بران آب رودخانه به طومار تنظیمی پیشین ضمیمه و به طومار شیخ بهایی معروف شد. اداره کشاورزی اصفهان، رونوشتی از این طومار را در دوره پهلوی دوم منتشر کرد و در دسترس صاحبان سهام آب رودخانه قرار داد. همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۵). تاریخ اصفهان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۵۷۵-۵۷۶.

به‌زودی نسبت به تأمین نان آنان توجه عاجلی نشود، مردم آن تلف و متواری خواهند شد» (ساکما، ۳۱۰/۳۸۷۹).

در سال ۱۳۲۸، اصفهان با کمبود غله و نان ناشی از خشکسالی مواجه شد و چون خشکسالی فراگیر شده بود، مناطق غله‌خیز آذربایجان، کرمانشاه و... مازاد غله‌ای برای ارسال به اصفهان نداشتند (مالجو، ۱۴۰۰: ۱۰۴)؛ بنابراین، مهاجرت‌های روزافزون روستاییان اصفهان به سمت تهران شروع شد و وزارت کشور در بخشنامهٔ محرمانه‌ای در سال ۱۳۲۸ (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۲۰۰۵۶) و نخست‌وزیر وقت، رزم‌آرا، در قالب دو بخشنامهٔ محرمانه در سال ۱۳۲۹ به استاندار اعلام کردند باید از مهاجرت بیکاران به تهران و سایر شهرها به امید یافتن شغل جلوگیری کند. ضمناً از طریق تأمین منابع آب، راه‌سازی، کارهای ساختمانی و کارهای دیگر که امکان انجام آن در منطقه وجود دارد، برای کشاورزان بیکار، شغل ایجاد کند. همچنین نوید داده شد با اجرای طرح‌های عمرانی و کشاورزی، به‌زودی وضعیت اقتصادی روستاییان بهبود می‌یابد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۴۴۲؛ ساکما ۹۷/۲۹۳/۲۰۳۵۴). وزارت کشاورزی نیز در این راستا تأکید داشت: «با توجه به اینکه اکثریت سکنه و بیکاران فعلی کلیهٔ نقاط کشور را کشاورزان تشکیل می‌دهند، تنها راه‌حل، تنظیم و اجرای برنامه‌های عمرانی متناسب در کلیهٔ نقاط است» (مالجو، ۱۴۰۰: ۹۰).

مصطفی قلی رام، وزیر کشور نیز در سال ۱۳۳۰، نامه‌ای محرمانه برای استاندار اصفهان ارسال و تأکید کرد مانع روی آوردن کشاورزان بیکار اصفهانی به خوزستان شود (ساکما، ۹۷/۳۶۴/۸۵۷). بحران‌های طبیعی و بیکاری، دهقانان را به سوی شهرها می‌کشاند، اما به دلیل نداشتن سواد و تخصص، مقصد نیز امکانات لازم را برای جذب و استفاده از نیروی کار مهاجران نداشت. از این‌رو حاشیه‌نشینی، بیکاری پنهان و انحرافات اجتماعی به‌وجود می‌آمد (ربانی و علیزاده اقدم، ۱۳۹۲: مقدمه، ۹۳؛ اعظام قدسی، ۱۳۴۲، ج ۲: ۶۳۷). تا پیش از سال ۱۳۵۰، دو قطب صنعتی تهران و آبادان، کشاورزان و بیکاران استان اصفهان را به خود جذب می‌کردند (عبدالله اف، ۱۳۵۶: ۱۹). در برنامهٔ عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱)، شهر اصفهان به‌عنوان یکی از مراکز رشد تعیین شد (مرتضوی، ۱۳۸۳: ۲۱۶) و با استقرار کارخانهٔ ذوب‌آهن و سایر صنایع در جوار آن، کشاورزان به امید اشتغال در این صنایع و کارخانه‌ها به شهر اصفهان روی آوردند (گودرزی، ۱۳۵۰: ۴۴-۴۵؛ کلباسی، ۱۳۵۳: ۱۵۹).

طبق دستور رسیده از مرکز، شهربانی شهرضا در سال ۱۳۳۵ به فرمانداری ابلاغ کرد با کمک نیروی انتظامی، بخشداران و کدخداها از کوچ روستاییان شهرضا به تهران ممانعت کنند و مهاجران پریشان و بی‌خانمان را به روستاها برگردانند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۲۲۱). وقوع بحران‌های مختلف از



جمله خشکسالی، سیل و آفات نباتی در نایین موجب شد تصفیه و ام گندم سال‌های پیشین کشاورزان با اداره غله تا سال ۱۳۳۷ به تأخیر بیفتد. پیرنیا، نماینده مجلس به منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت، پیشنهاد داد از محل درآمد نفت، بدهی آن‌ها به اداره غله پرداخت شود. استاندار اصفهان نیز در تلاش بود که اداره کل غله از دریافت این وام چشم‌پوشی کند، اما به درخواست‌های آن‌ها ترتیب اثر داده نشد؛ بنابراین، روستاییان با فروش اموال و دارایی‌ها، بدهی خود را پرداخت کردند و به‌منظور یافتن کار در تهران و مرکز استان سرگردان شدند (ساکما، ۲۳۰/۲۹۲۱۲). وزیر کشور نیز با مشاهده افزایش مهاجرت‌ها در گزارشی به نخست‌وزیر نوشت دلیل اصلی مهاجرت‌ها به تهران، نبود فرصت شغلی و درآمد در استان‌ها است و همکاری سازمان برنامه، وزارتخانه‌های صنایع و معادن، راه و کشاورزی با وزارت کشور و تأسیس کارگاه‌های صنعتی، توسعه امور کشاورزی و انجام برنامه‌های عمرانی به‌منظور کنترل تحرک جمعیتی در کشور ضرورت دارد (ساکما، ۹۷/۲۶۰/۲۳۳). وزارتخانه‌های مزبور، مسئولیت تعامل با یکدیگر را در حوزه مدیریت بحران نیز در سطوح محلی و ملی برعهده داشتند. بازتاب این تعدد سازمانی در عملکرد ناهماهنگ، گاه متضاد و مسئولیت‌گریزی جلوه‌گر می‌شد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۴۶۱؛ متین دفتری، ۱۳۷۰: ۱۸۲؛ علم، ۱۳۷۰، ج ۲: ۴۰۱). همچنین اختلاف‌نظر و کشمکش میان سازمان برنامه و نمایندگان مجلس شورای ملی بر سر اختصاص بودجه به طرح‌های ضروری مانند دفع آفات نباتی، آبرسانی و... در روستاها، رسیدگی به این امور را راکد می‌گذاشت (دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، مذاکرات ۱۹ آذر، ۱۳۲۹؛ یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۴۹۰، ۵۳۶).

در سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ اصفهان عرصه خشکسالی بلندمدت بود (کلباسی، ۱۳۵۳: ۱۴۹). در سال ۱۳۳۹ با ادامه مهاجرت‌های روستاییان نایین به تهران، وزارت کشور به استاندار دستور داد با راهنمایی و تأمین نیازهای کشاورزان، آن‌ها را از ترک نایین بر حذر دارد؛ زیرا علاوه بر رکود کشاورزی در نایین، بعضی از این افراد در شهر تهران در زمره متکدیان و مجرمان قرار گرفته بودند و امنیت از مردم تهران سلب شده بود. اعضای شورای کار نایین نیز در این زمینه خطاب به وزارت کشور متذکر شدند احیا و حفر قنات‌های جدید، تأسیس کارخانه و بالارفتن درآمد کشاورزان با کمک دولت، شرط ثبات جمعیت است (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۱۱۲۸). همچنین باید به نقش مؤثر صندوق‌های تعاونی روستایی در کمک اعتباری به کشاورزان خسارت‌دیده و نگهداری آن‌ها در روستاها اشاره کرد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۱۱۴۸؛ هوگلاند، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

وزارت کشور در سال ۱۳۴۰ بخشنامه‌ای منتشر کرد که با نظر استاندار اصفهان بین کشاورزان آسیب‌دیده از خشکسالی و آفات گیاهی، غله توزیع می‌شود و دولت نسبت به مساعدت اعتباری و ایجاد

اشتغال، هرچه زودتر اقدام خواهد کرد. از آنجا که خشکسالی در فریدن، نایین و چند روستای شهرضا از جمله دهک، مسینه، ماران و سودآباد درآمد و سطح معیشت اهالی را به شدت پایین آورده بود، پس از بحث و تبادل نظر، اعضای کمیسیون استانی از نخست‌وزیر خواستند کمک جنسی مزبور برای انجام طرح‌های ضروری در روستاها و به صورت پرداخت دستمزد به رعایا باشد. این درخواست در سال‌های بعد مورد توجه قرار گرفت. به خسارت‌دیدگان روستای عطاآباد شهرضا نیز وام اختصاص یافت (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۷۷۰؛ ساکما، ۹۷/۲۹۳/۲۱۹۸).

دامنه بحران خشکسالی طی سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۳ نیز در استان گسترش یافت. خشکسالی‌های متوالی در روستاهای اردستان، جرقویه، خوروبابانک، شهرضا، کوهپایه و گلپایگان وضع اسفناکی به وجود آورده بود. استاندار ضمن اعلام نیاز به ۴-۵ هزار تن آرد، روغن و... پیشنهاد پیشین را تکرار کرد مبنی بر اینکه مواد غذایی را در مقابل انجام «لاایروبی قنات، ایجاد جاده‌های فرعی و سایر امور عمرانی به اصفهان حمل کنند تا هرچه زودتر با اشتغال ساکنین محل از پریشانی و پراکندگی آنان جلوگیری گردد» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۳۹۹؛ ساکما، ۹۷/۲۹۳/۵۳۴۰). انتخاب این روش در آن زمان از سوی مسئولان استانی، راهکار کارآمد کاهش بیکاری با بهره‌گیری از نیروی کار کشاورز و رهایی او از وابستگی مطلق به بازده زمین بود. سید حسن مصطفوی نماینده نایین در مجلس شورای ملی نیز برخی مشکلات کشاورزان نایین و خور و بیابانک را از لحاظ نبودن آب آشامیدنی و زراعی و نیاز به تأمین اعتبار بلندمدت با بهره‌اندک برشمرد و به وزیر کشاورزی، سپهبد اسماعیل ریاحی اخطار داد: «اگر هرچه زودتر برای آن‌ها چاره‌ای نیندیشند، برای امرارمعاش به شهرهای مختلف رو آورده و دهات را برای همیشه خالی می‌کنند» (دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی، مذاکرات ۱۹ دی، ۱۳۴۲). سازمان برنامه نظر استاندار را پذیرفت و کمک‌های درخواست‌شده صرف انجام امور مختلف عمرانی در روستاها شد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۳۳۹۹). چنانچه این برنامه تداوم می‌یافت، منشأ اثرات مفید و سازنده در روستاها بود. به گفته استاندار اصفهان، تمرکزگرایی اداری و اقتصادی از موانعی محسوب می‌شد که بر تعیین اولویت‌ها و تخصیص اعتبارات به استان‌ها اثر منفی می‌گذاشت و متصدیان امور در استان، در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر چندانی نداشتند (اصفهان، ۱۳۵۲، ش ۳۷۵۱: ۴؛ ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۳۲۳؛ مرتضوی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). به علت مشکلات عدیده‌ای که خشکسالی در این دو سال برای اصفهان ایجاد کرده بود، حسین معتمدی نماینده اصفهان در دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی درباره دلیل مطالعه طولانی‌مدت و توقف اجرای طرح ساخت سد مخزنی در فریدن از سال ۱۳۳۰، از اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت، توضیح خواست. هدف از ساخت این سد، ذخیره آب‌های

روان فصلی و آبرسانی به اراضی نجف‌آباد، شهرضا، سیده، رودشت و مورچه‌خورت بود (دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی، مذاکرات ۱۱ آذر، ۱۳۴۲).

به‌علت همجواری شهرضا با کویر، خشکسالی برای مدت مدیدی بر سر روستاهای آنجا، سایه افکنده بود و در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶، مانند سال‌های گذشته بسیاری از مزارع به بیابان تبدیل شد (جمالی، ۲۵۳۵: ۳۶). روستاییان میرآباد شهرضا به‌علت خشک‌شدن قنات روستا با بحران بی‌آبی مواجه شدند. از طرفی فراهم‌کردن مخارج لایروبی قنات برای آن‌ها مقدور نبود و به فرماندار شهرضا اعلام کردند در صورت ادامه کم‌آبی نمی‌توانند به زندگی در روستا ادامه دهند. آمارهای موجود نشان می‌دهد به تدریج جمعیت این روستا کاهش یافته است (ساکما، ۲۰۵۲۵/۲۹۳/۹۷). کیان، نماینده شهرضا در مجلس شورای ملی، از عملکرد ضعیف ادارات دولتی در نادیده‌گرفتن موضوع، اتلاف وقت و تثبیت زندگی رقت‌بار کشاورزان شهرضا انتقاد کرد. بانک کشاورزی هم پس از آنکه نیمی از اراضی مزروعی، بایر و اهالی پراکنده شدند، مهلت وام را تا شش سال تمدید کرد. پاسخ وزیر آب و برق نیز به درخواست استاندار درمورد آبرسانی به شهرضا به‌دلیل هزینه بسیار سنگین، مشکلات فنی و ممنوعه‌بودن حفر چاه در جنوب شهرضا منفی بود (ساکما، ۳۶۰/۳۷۰؛ ساکما، ۴۱۸۵/۲۹۳/۹۷). در زمستان و اوایل بهار، بر اثر باران‌های فصلی، آب‌های روان در اراضی شهرضا جریان می‌یافت که به‌علت نبود سد، از منطقه خارج می‌شد و در فصل کاشت محصولات، کشاورزان با مشکل کم‌آبی مواجه بودند. به گفته رئیس اداره کشاورزی اصفهان، با تعمیر سد قتلقشاه واقع در روستای اسفرجان شهرضا، امکان آبیاری این سد و آبیاری اراضی شهرضا و مهیار وجود داشت (ساکما، ۳۹۰۹۳/۲۳۰). نگاه اجمالی به برخی گزارش‌های بازمانده از وقوع و اثرات خشکسالی در روستاهای استان اصفهان در این دوره نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت روستاییان به شهرها، خشکسالی بود. می‌توان برنامه عمرانی پنجم را صرف‌نظر از اینکه چقدر در اجرا با موفقیت و ظرفیت‌سازی همراه بود، یکی از برنامه‌های پیشرو در حوزه مدیریت بحران دانست. در این برنامه مدیریت آب و اولویت‌دادن به ذخیره آب با ساخت سدهای مخزنی به‌منظور آبیاری اراضی کشاورزی، جلوگیری از هدررفت و کنترل سیلاب‌ها و ممانعت از خشکسالی مدنظر قرار گرفت<sup>۱</sup>.

### ۳-۲. سیل

در نواحی خشک، به‌علت پوشش گیاهی ناکافی و باران‌های شدید، سیل‌های سهمگین به‌وجود می‌آید. خشکسالی‌های متوالی نیز ظرفیت نفوذ آب در خاک را کاهش می‌دهد و موجب ازدیاد

۱. ر.ک: برنامه عمرانی پنجم، ۱۳۵۲.

آب‌های روان به شکل جریان سطحی می‌شوند (خالدی، ۱۳۸۰: ۱۹۷-۱۹۸). این وضعیت تقریباً در بیشتر روستاهای اصفهان در دوره پژوهش مشهود بوده است.

گزارش‌های متعدد از وضعیت سیل‌زدگی روستاهای اصفهان در دوره پهلوی بیانگر پیامدهای زیان‌بار سیل است. در سال ۱۳۰۸، سیلاب طی دو نوبت به دهستان بادرود نطنز خسارات فراوانی وارد کرد. اهالی منطقه از نمایندگان مجلس شورای ملی خواستند به تقاضای احداث سیل‌بند و اعطای وام رسیدگی کنند؛ زیرا «به اندک عدم توجه، محل بلا سکنه خواهد شد». وزارت مالیه در پاسخ به نامه رعایا نوشت: «روستاییان به بانک ملی، مراجعه نمایند» (شکایت رعایای بادرود نطنز از ویرانی سیل و تخریب قنوات، ۱۳۰۸/۲۸/۲۸/۷: ۱۱ برگ). روستاییان تیدجان و قودجان گلپایگان در سال ۱۳۱۱، درحالی‌که خسارات مالی و جانی ناشی از سیل را متحمل شدند، اداره مالیه نیز آن‌ها را مجبور به پرداخت مالیات کرد. کشاورزان در اعتراض به این اقدام، شکایت‌نامه‌ای برای اداره حکومتی گلپایگان نوشتند: «اگر اقدام عاجلی از طرف اولیای دولت به عمل نیاید، باید جلای وطن اختیار کرده و به تکدی که نقص دولت است مشغول شوند» (ساکما، ۱۳۱۴/۲۹۳/۹۷). وزارت مالیه برای شاکیان، تخفیف مالیاتی در نظر گرفت. در اثر شدت سیلاب سال ۱۳۱۴، قنات‌ها و سیل‌بند دهستان کچومثقال اردستان تخریب شدند و چون منطقه سیل‌خیز بود، اهالی از مسئولان خواستند که سیل‌بند را تعمیر کنند. تعدادی از اهالی پیش از دریافت پاسخ، از منطقه کوچ کردند. طبق قوانین وزارت داخله، لایروبی قنات‌ها برعهده مالکان بود و به آن‌ها توصیه شد برای دریافت قرضه به بانک مراجعه کنند (ساکما، ۱۳۱۹/۲۹۱). بروز سیل در سال ۱۳۲۷، عامل ویرانی فراوان و تلفات قابل‌توجهی در روستاهای برخوار از جمله علی‌آباد شد. اداره غله، یکصد تن گندم بین اهالی توزیع کرد و تأکید شورای کشاورزی اصفهان بر لزوم ساخت مسکن و تأمین آب مورد نیاز روستاییان با اعطای وام بلندمدت بود، اما وسعت ویرانی‌ها به اندازه‌ای بود که عده‌ای از اهالی این آبادی، محل اقامت خود را ترک کردند (تلگراف رعایای سیل‌زده روستاهای برخوار و درخواست مساعدت، ۱۳۲۹/۵/۳۷/۱۵-۱۰۱۱: ۳۱ برگ).

گلپایگان از جمله مناطقی بود که در دوره پهلوی، چندین نوبت با سیل و آسیب‌های آن روبه‌رو شد. روستاهای دُر و شورچه گلپایگان نمونه‌هایی بودند که در سال ۱۳۲۸ گرفتار سیل شدند (ساکما، ۱۳۲۸/۲۹۳/۹۷). بارندگی‌های شدید این سال، روستاهای آشجرد، تخماقلو و نماگرد فریدن را نیز به ویرانه تبدیل کرد. کمبود نان، از بین رفتن محصول و منازل از یک طرف و پافشاری مأموران اداره غله برای وصول مالیات نیز بر مشکلات می‌افزود (شکایت رعایای دهکده‌های فریدن از خسارات سیل، ۱۳۲۹/۵/۳۷/۱۵-۱۰۱۱: ۳۱ برگ).

بیشتر این سیلاب‌ها موجب تخریب زیرساخت‌های روستایی می‌شد. در سال ۱۳۳۲، گزارشی درباره تخریب شبکه آب‌رسانی زیرزمینی چندین روستا در نواحی نایین و خور و بیابانک به فرمانداری رسید. در چنین شرایطی برخورداری از تسهیلات بانکی برای احیای قنات‌ها تابع مقررات خاصی بود و خرده‌مالکان تهیدست که فاقد املاک ثبتی بودند، نمی‌توانستند از اعتبارات بهره‌مند شوند (ساکما، ۱۳۳۲/۲۹۳/۱۰۴۳۲). علاوه‌براین، از کشاورزی سنتی حمایت کافی نمی‌شد و اعتبار بانکی تخصیص‌یافته به آن بخش اندک بود (یگانه، ۱۳۹۹: ۲۶۸؛ مجیدی، ۱۳۸۰: ۱۵۴). بارندگی‌های طولانی در سال ۱۳۳۳، سیلاب بزرگی در روستاهای ماربین (ساکما، ۱۳۳۰/۵۶۳۳۱)؛ کوهپایه و فریدن به راه انداخت و بحران جدی برای ساکنان ایجاد کرد. به گفته همایی، حدود صد میلیون تومان به اصفهان خسارت وارد شد (همایی، ۱۳۹۵: ۷۱۷). اهالی روستاهای حسن‌آباد، فشارک، علی‌ابراهیم و... در کوهپایه با ارسال نامه‌های متعدد، به شرایط مرگبار خود اعتراض می‌کردند: «چنانچه توجهی نفرمایید، زارعین متواری و به مرگ تدریجی به این زندگانی ننگین در بیابان‌ها خاتمه خواهند داد» (ساکما، ۱۳۳۲/۲۹۳/۱۶۰۱۹). استاندار در این رابطه به وزیر کشور پیشنهاد داد ده درصد عواید عمرانی از بزرگ مالکان وصول شود و مبلغ آن هم به مصرف بازسازی منازل برسد و از خرده‌مالکان فرودست به‌هیچ‌وجه عواید عمرانی آن سال و سال آینده دریافت نشود. همچنین هشدار داد چنانچه دولت با واگذاری وام‌های بلندمدت به خرده‌مالکان، در رفع خسارت‌ها کمک نکند، به‌زودی در شهرها ساکن و کشتزارها تخریب می‌شوند. بانک کشاورزی نیز به افراد دارای آب و ملک یا ضامن معتبر وام پرداخت کرد (ساکما، ۱۳۳۲/۲۹۳/۱۶۰۱۹).

در سال ۱۳۳۵ بارندگی‌های شدید، مجدداً سیل ویرانگری را در تعداد زیادی از روستاها جاری کرد و از دهستان جرقویه تا مرداب گاوخونی پیش رفت (شفیعی، ۱۳۷۲: ۱۴۲). این سیل به‌دلیل اینکه اداره راه میمه برای تسطیح جاده، بستر رودخانه را با شن و سنگ پر کرده بود، خسارت و ویرانی فراوانی در روستاهای خسروآباد، قاسم‌آباد و کلوخ به‌جای گذاشت. بعضی روستاها چند روز در محاصره سیلاب بودند. گران‌مایه، شهردار میمه از بی‌اثر بودن اخطارهای متوالی سال‌های پیش درمورد ایجاد حوضچه، پل و تغییرجهت‌دادن معبر سیل، از مدیران اداره راه به وزارت کشور شکایت کرد. جمعیت شیروخورشید سرخ با کمک‌های غذایی و پزشکی به امدادسانی پرداخت و وزیر کشور به فرماندار کاشان دستور داد خانه‌سازی مجدد با رعایت حریم رودخانه انجام شود و ساخت سیل‌بند را در دستور کار قرار دهد. سازمان برنامه نیز موافقت کرد اعتباری برای ساخت مسکن به بنگاه عمران اختصاص یابد و نسبت به تعمیر قنات‌های خرده‌مالکان تهیدست فوراً اقدام کند (ساکما،

۹۷/۲۹۳/۲۳۵۷۵؛ معینان، ۱۳۸۶: ۱۴۷). در سال ۱۳۳۷، بار دیگر سیل به روستاهای استهلک، امامزاده ابراهیم، غرقه و لالان گلپایگان خسارت وارد کرد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۶۵۵۲).

وسعت سیلاب سال ۱۳۳۹، تخریب قنات‌ها و باغات روستای قمیشلوی شهرضا را به همراه داشت. جمعیت شیروخورشید سرخ خواربار و وسایل مورد نیاز را به روستاییان رساند و دولت با پرداخت وام پنج‌ساله به کشاورزان موافقت کرد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۲۰۴۳۱). شهردار نایب در این سال با توجه به سابقه سیل‌ها از اداره راه اصفهان خواست با بولدوزر و به هزینه شهرداری، سیل‌بند نایب را تعمیر کند، اما به این درخواست، توجهی نشد. در سال ۱۳۴۲ نیز استاندار اصفهان به استناد گزارش شهردار نایب و برای حفاظت از جان و مال اهالی در برابر سیل، به مدیر اداره راه دستور داد تا با اعزام بولدوزر، سیل‌بند نایب را بازسازی کند. اداره راه به دلیل نامشخصی فرستادن بولدوزر را ناممکن اعلام کرد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۱۴۵۴). سلسله‌مراتب دستگاه‌های دولتی در دوره پهلوی به صورتی بود که مدیران مستقر در مراکز استان‌ها و ادارات تابع، مستقل از استاندار، پاسخگوی وزرا بودند و چارچوب مشخصی برای همکاری بین بخش‌ها در سطح منطقه‌ای وجود نداشت (هادی زنوز، ۱۳۸۹: ۲۵۹). در اردیبهشت ۱۳۴۵، قنات روستای مهرجان خور و بیابانک در اثر ورود سیلاب به مجاری آن مسدود شد. با وجود نامه‌های متعدد کشاورزان در ارتباط با خشک‌شدن محصول، نداشتن درآمد و اجبار به مهاجرت، بانک کشاورزی با گذشت پنج ماه همچنان در بازدید از محل و برآورد هزینه خسارت‌ها تعلل می‌ورزید (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۰۸۸۲). این گریز از مسئولیت مدیران در سال‌های بعد نیز در این منطقه ادامه یافت. سیلاب، قنات‌های دهستان چوپانان و سیل‌بند خور و بیابانک را در سال ۱۳۵۴ ویران کرد. استاندار، اداره راه را موظف کرد برای مرمت سیل‌بند و دورکردن خطر از منطقه، یک دستگاه بولدوزر به همراه تانکر آب آشامیدنی اعزام کند. اما اداره راه به عذر مشغول بودن به ترمیم جاده اصلی خور به نایب و نداشتن امکانات کافی، سه هفته امدادسانی را به تأخیر انداخت (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۹۲). اگرچه پس از وقوع حوادث، نهادهای مربوط به یاری حادثه‌دیدگان می‌شتافتند و وضعیت بحرانی را ساماندهی می‌کردند، اقدامات ضروری و کمک‌های مالی و غذایی نمی‌توانست برای بلندمدت، جوابگوی نیازهای آسیب‌دیدگان در روستاهای پراکنده و متعدد باشد. این شرایط، انگیزه مهاجرت را در روستاییان تقویت می‌کرد.

### ۳-۳. آفات گیاهی

روستاهای اصفهان در دوره پهلوی غالباً در معرض انواع آفات گیاهی قرار داشتند و شرایط را به سمت بحران پیش می‌برد. سن گندم از آفات مهم کشتزارهای اصفهان در دوره پهلوی بود. شرایط اقلیمی گرم و خشک اصفهان، موقعیت مناسبی برای فعالیت این حشره در بهار به وجود می‌آورد. در اثر

حملات ملخ و سن، مزارع به‌صورت بایر درمی‌آمد و با احتساب ضرری که آفت‌ها به بار می‌آوردند، عامل قحطی و فقر برای کشاورزان بود. در اساسنامهٔ تعاونی‌های کشاورزی تأکید شده بود این مؤسسات موظف‌اند در امور زراعی، تأمین آب، بذر و مبارزه با آفات به دهقانان یاری برسانند، اما تعاونی‌ها به‌دلیل محدودبودن امکانات مالی و کارشناسی، در انجام وظایف محول‌شده ناتوان بودند (بختیار، ۱۹۹۶: ۱۳۰؛ آموزگار، ۱۳۷۵: ۳۱۵، ۳۲۴).

در سال ۱۳۰۷ ادارهٔ دارایی اصفهان تلگرافی درمورد تهاجم سن به روستاهای استان، برای وزارت مالیه فرستاد. در این گزارش تأکید شد کشاورزان تنگدست قادر نیستند گندم را از سایر شهرها خریداری کنند. در نتیجه قیمت غله رو به افزایش گذاشته و سختی ارزاق موجب تفرقهٔ جمعیت و جان باختن تعدادی از مردم خواهد شد (ساکما، ۳۱۰/۴۵۳۵؛ اطلاعات، ۱۳۰۷، ش ۴۹۰: ۳). وزارت فواید عامه با مشاهدهٔ بحران قحطی از وزارت مالیه خواست تا اعتبار کافی برای مبارزه با آفات در بودجهٔ سال ۱۳۰۸ پیش‌بینی شود (اطلاعات، ۱۳۰۷، ش ۷۰۰: ۳). در سال ۱۳۰۹ ملخ‌ها محصول گندم کوهپایه را از بین بردند، اما ادارهٔ مالیه بدون در نظر گرفتن شرایط بحرانی، بر دریافت مالیات پیشین اصرار داشت. کشاورزان شاکی به ادارهٔ مالیه اطلاع دادند در صورت ادامهٔ این وضع «محل را ترک می‌کنند» (شکایت اهالی کوهپایهٔ اصفهان از آفت محصول، ۱۳۰۷/۱۵/۱۴-۸/۱۹۵/۱۱-۱۰: ۶ برگ). آفت مهلک سن در مزارع روستاهای اطراف اصفهان در سال ۱۳۱۹ سبب قحطی گسترده شد. هرچند استاندار سعی کرد با صدور مجوز خرید گندم به قحطی خاتمه دهد، با وضعیت ناگوار پیش‌آمده برخی از دهقانان برای گریز از مرگ و بیکاری به شهرها پناه بردند (ساکما، ۲۶۰/۹۶۳؛ ساکما، ۲۹۱/۳۵۶۶؛ ساکما، ۲۹۱/۳۶۳۱).

در سال ۱۳۲۶ بروز آفت سن در بلوک لنجان، روستاهای برخوردار و ماریین گزارش شده است (همایی، ۱۳۹۵: ۶۹۵). این آفت‌زدگی در سال ۱۳۲۷ در لنجان ادامه یافت و به چادگان هم سرایت کرد (ساکما، ۳۱۰/۶۳۹۸۱؛ ساکما، ۲۹۱/۳۴۸۰). کاهش قابل‌توجه جمعیت موجب رکود بخش عمده‌ای از فعالیت کشاورزی شد و با گسترش این بحران، صفوی نمایندهٔ اصفهان از ریاست مجلس شورای ملی خواست هرچه سریع‌تر بودجهٔ دفع آفات در دسترس وزارت کشاورزی قرار گیرد تا مشغول عملیات سم‌پاشی شود (دورهٔ پانزدهم مجلس شورای ملی، مذاکرات ۲ مرداد، ۱۳۲۷). هم‌زمان، آفت شته میوه‌ها، و آفت کرم محصول چغندر گلپایگان را نیز از بین برد. مدیر ادارهٔ کشاورزی گلپایگان در نامه‌ای به وزارت کشاورزی، از مدیریت ضعیف و بی‌نتیجه‌بودن درخواست‌ها از آن وزارتخانه انتقاد کرد و تصریح کرد تأمین احتیاجات، مانند دستگاه سم‌پاش نو، سموم لازم برای دفع آفت چغندر و درختان میوه، مبارزهٔ رایگان با آفات، اعزام مأمور فنی و اختصاص اعتبار موجب

تشویق اهالی و سکونت آن‌ها در روستاها می‌شود (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۱۹۲). آفت سن در سال ۱۳۲۸ همچنان در مزارع گندم چادگان و چنارود در فریدن باقی ماند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۱۱). اداره کشاورزی اصفهان در سال ۱۳۳۲ به پرورش حشره ضد سن پرداخت، اما وزارت کشاورزی مبارزه با آفات نباتی را به دلیل کمبود بودجه و نیز کمبود کارشناس به صورت دائمی پیگیری نمی‌کرد و عملیات ضد آفت، اثر چندانی نداشت (اطلاعات، ۱۳۳۲، ش ۸۳۳۷: ۵؛ ساکما، ۹۷/۳۳۹/۱۳۸۹). نخلستان‌های خور و بیابانک به مدت ده سال دچار آفت شده بود و نخلداران خسارت‌دیده به دلیل فقر شدید، از عهده تأمین هزینه سم‌پاشی بر نمی‌آمدند. در سال ۱۳۳۸ هم از برنامه آفت‌زدایی اداره کشاورزی اصفهان استقبال نکردند. در منطقه خور، درآمد نخلداران به فروش خرما بستگی داشت و به تدریج با از بین رفتن نخیلات، جمعیت منطقه هم کاهش یافت (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۲۶۱؛ ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۱۰۴۸). شایان ذکر است وزارت کشاورزی برای ورود سم از خارج و توزیع آن بین کشاورزان زمان زیادی در انتظار می‌ماند و محصولات کشاورزی در این فاصله از بین می‌رفت. از این رو مجلس شورای ملی، لایحه تأسیس کارخانه تولید سم را در سال ۱۳۴۲ تصویب کرد (دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی، مذاکرات ۱۹ دی، ۱۳۴۲). از آنجا که محصولات کشاورزی دستخوش خطرات طبیعی زیادی بود (طوفان، آفات، یخبندان و...)، ابتدا در دهه ۱۳۲۰ و پس از آن در برنامه عمرانی پنجم<sup>۱</sup> برای نخستین بار به صورت رسمی به ایجاد صندوق بیمه کشاورزی اشاره شده است (ساکما، ۲۴۰/۱۸۲۷۸). اعضای انجمن شهر اصفهان<sup>۲</sup> در سال ۱۳۵۵ به لزوم بیمه محصولات کشاورزی و تأثیر آن بر پایداری جمعیت روستاها اشاره کرده‌اند، اما این قانون تا آن زمان هنوز اجرا نشده بود (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۹۸۳۳). سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰ تراکم آفت در اصفهان افزایش یافت و بیشترین اقدام مؤثر علیه آفات در سال ۱۳۵۶ صورت گرفت (کردوانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۲). سیاست تحقیق و شناخت مسائل کشاورزی در برنامه عمرانی پنجم، ارتباط مستقیمی با موضوع آثار مخاطرات طبیعی در تولید محصولات کشاورزی داشت. از جمله این موارد می‌توان به ماده تهیه مرغوب‌ترین بذر و نهال سازگار با شرایط خاص مناطق مختلف کشور، شناخت آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی اشاره کرد<sup>۳</sup>. به نظر می‌رسد با اینکه سازمان‌های مختلف تلاش می‌کردند اشتغال غیرکشاورزی برای کشاورزان فراهم کنند، در کاربست این سیاست، موفقیت چشمگیری

۱. با ایجاد صندوق بیمه کشاورزی دولتی یا خصوصی می‌توان به تدریج موجبات بیمه محصولات عمده را در مقابل مخاطرات طبیعی و همگانی فراهم کرد (برنامه عمرانی پنجم، ۱۳۵۲).

۲. انجمن شهر اصفهان، نهاد منتخب مردمی بود که به نمایندگی از طرف مردم در اداره امور محلی مشارکت و نظارت داشت. روزنامه اصفهان، ۱۳۵۰، ش ۲۵۵۱: ۱۰.

۳. ر.ک: برنامه عمرانی پنجم، ۱۳۵۲، ش.



به‌دست نیامد. گواه این ادعا هم آمار جمعیت روستایی استان اصفهان است که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ روند کاهشی داشت. تحلیل آمار مهاجرت‌های بین‌استانی در سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد از ۲۳ استان کشور، رتبه پنجم از استان‌های مهاجرفرست و بالاترین رقم در مهاجرت از روستاها به استان اصفهان اختصاص داشته است (زنجانی، ۱۳۹۴: ۹۴؛ ۱۱۲ اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران، ۱۳۹۰: ۴۲۵).

جدول ۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان‌های استان اصفهان ۱۳۳۵-۱۳۵۵

نام شهرستان	سال ۱۳۳۵	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵
	درصد جمعیت روستایی	درصد جمعیت روستایی	درصد جمعیت روستایی
اردستان	۸۵/۸۳	۸۴/۹	۶۷/۹
اصفهان	۵۹	۴۸	۳۷
سمیرم	۹۴	۶۸/۳	۶۷/۹

۱. ر.ک: وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه‌های سرشماری (اردستان، ص ۳، اصفهان، ص ۳، شهرضا، ص ۳، فریدن، ص ۳، گلپایگان، ص ۳، نایین، ص ۳، نجف‌آباد، ص ۳).
۲. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اردستان، ج ۲۱، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سمیرم، ج ۱۷، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا، ج ۱۹، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان فریدن، ج ۲۳، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان گلپایگان، ج ۱۶، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.
- لنجان در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ ش، شهرستان نبوده و تغییرات بین دو سرشماری، انجام نشده است. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان لنجان، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نایین، ج ۱۸، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نجف‌آباد، ج ۲۰، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. شهرستان نطنز در سرشماری سال ۱۳۳۵ ش، جزو حوزه کاشان بوده است و سرشماری مجزا ندارد. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نطنز، ج ۱۵، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.
۳. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اردستان، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اصفهان، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سمیرم، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان فریدن، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان گلپایگان، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نایین، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نجف‌آباد، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نطنز، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱.

نام شهرستان	سال ۱۳۳۵	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵
	درصد جمعیت روستایی	درصد جمعیت روستایی	درصد جمعیت روستایی
شهرضا	۷۰/۱۹	۵۳/۲	۴۰/۸
فریدن	۹۷/۱	۹۲/۷	۹۱/۲
گلپایگان	۸۹/۴۱	۵۶/۳	۵۴
لنجان	-	-	۴۹/۳
نابین	۸۶/۱۵	۸۵/۴	۷۴/۷
نجف‌آباد	۶۲/۳۹	۴۲/۹	۴۲/۶
نطنز	-	۸۴/۸	۶۲/۲

جدول ۲. توزیع جمعیت روستایی در دهستان‌ها-روستاها استان اصفهان ۱۳۳۵-۱۳۵۵

شهرستان-دهستان	روستا-دهستان	سال ۱۳۳۵	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵
		تعداد جمعیت	تعداد جمعیت	تعداد جمعیت
شهرستان اردستان	دهستان کچومثقال	۱۵۰۸	۱۳۰۲	۹۳۰
دهستان برخوار (اصفهان)	کل جمعیت	۶۰۸۷۲	۳۳۷۹۵	۳۱۴۸۶
	علی‌آباد	۹	۴۵	خالی از سکنه
بخش خورویبانک (نابین)	کل جمعیت	۱۳۴۹۰	۱۲۹۴۸	۷۷۷۱
	دهستان چوپانان	۷۷۵	۱۲۴۶	۱۳۶۶
	مهرجان	۶۷۱	۶۶۳	۶۵۷
دهستان رودشت (اصفهان)	کل جمعیت	۸۹۱۰	۱۹۶۴۸	۱۰۹۴۳
	باقرآباد	۱۳۰	۱۸۰	خالی از سکنه
	خویا	۲۱	۷۸	۶۵
	سیان	۲۰۳	۳۵۵	۳۱۷
	فیض‌آباد	۹۹	۱۴۰	۱۶۶
	هرند	۳۸۴۰	۳۳۶۹	۲۶۰۳

۱. رک: وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه‌های سرشماری (اردستان، ص ۳، اصفهان، ص ۳-۷، شهرضا، ص ۲، فریدن، ص ۱، گلپایگان، ص ۳، نابین، ص ۴، نجف‌آباد، ص ۳).

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. ج ۷، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱-۴۹. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان، ج ۸، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱-۲۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. ج ۲، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۶-۱۰۵. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۲۹). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۳. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۳۸، ۲۰۹، ۲۴۱، ۲۹۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۰). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۶. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۹۵، ۱۵۲، ۲۳۸، ۲۶۳، ۲۸۴، ۳۲۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۲). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۱۰. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۱۳، ۶۱، ۶۶، ۱۰۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۹۹، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۷۶، ۴۹۱.

شهرستان-دهستان	روستا-دهستان	سال ۱۳۳۵	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵
شهرستان شهرضا	دهک	۳۱۱	۳۵۱	۳۵
	قمیشلو	۲۳۶۰	۱۲۰۴	۱۵۲۵
	ماران	۳۱۱	۱۷۴	۱۳۷
	مسینه	۳۹۲	۲۷۹	۱۷۷
	میرآباد	۲۵۸	۲۴۴	۲۱۸
	یحی‌آباد	۲۲۴	۱۸۲	۱۳۲
شهرستان فریدن	آشجرد	۴۲۰	۵۳۴	۷۰۹
	تخماقلو	۱۲۲۷	۷۳۰	۹۵۱
	دهستان چادگان	۳۶۸۷۵	۳۶۳۳۲	۳۶۰۸۲
	دهستان چنارود	۱۱۰۴۷	۷۷۰۴	۸۲۹۳
دهستان کرون (نجف‌آباد)	نماگرد	۲۷۲۹	۹۱۲	۶۵۲
	کل جمعیت	۳۲۶۳۲	۲۶۵۲۲	۲۵۶۰۷
	آران	۱۵۸۲	۱۳۳۶	۱۲۷۳
دهستان کوهپایه (اصفهان)	اسفیداجان	۲۷۵۳	۲۲۰۸	۲۱۱۵
	کل جمعیت	۳۳۲۰	۲۲۴۲	۲۰۱۳
	حسن‌آباد	۱۹	۶	خالی از سکنه
	شریف‌آباد	۱۸۱	۱۰	۲
	علون‌آباد	۷۶۷	۷۹۷	۷۱۶
	فشارک	۷۴۵	۸۱۵	۳۱۵
	مزرعه علی‌ابراهیم	۵۶	۲	۶۳
	استهلک	۴۴	۷۹	۶۴
شهرستان گلپایگان	تیدجان	۱۳۰۰	۹۹۷	۷۳۶
	دُر	۸۶۰	۱۰۲۶	۷۷۵
	شورچه	۵۲۸	۲۶۴	۲۵۴
	غرقه	۲۵۷	۳۳۶	۳۲۳
	قودجان	۱۹۰۰	۱۶۱۸	۱۴۷۶
	لالان	۱۱۴	۱۴۹	۹۹
	کل جمعیت	۴۴۰۰۰	۳۳۵۴۴	۲۷۳۳۹
دهستان میمه (اصفهان)	خسروآباد	۵۱۹	۴۰۸	۴۰۰
	سلیمانیه	-	۳۴	۳۰
	قاسم‌آباد	۲۰۰	۱۱۵	۶۱
	کلوخ	۵۰	۶۷	۷۶
	کل جمعیت	۱۷۰۰۰	۱۴۱۱۶	۱۶۶۱۳
شهرستان نطنز	دهستان بادرود	۸۴۰۰	۷۷۷۲	۴۸۱۶

جدول ۳. میانگین بارندگی شهرستان اصفهان ۱۳۲۹-۱۳۵۷<sup>۱</sup>

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
شهرستان اصفهان	۱۳۲۹	۹۴/۴
	۱۳۳۰	۱۲۴/۴۴
	۱۳۳۱	۱۴۴/۳
	۱۳۳۲	۳۳۸/۸۱
	۱۳۳۳	۱۲۰/۴۱
	۱۳۳۴	۱۷۴/۵۴
	۱۳۳۵	۲۱۵/۲۳۹
	۱۳۳۶	۶۵/۳
	۱۳۳۷	۶۸/۳۵
	۱۳۳۸	۴۰/۲۸
	۱۳۳۹	۱۲۱/۳
	۱۳۴۰	۸۷/۳۳
	۱۳۴۱	۴۸/۳
	۱۳۴۲	۶۶/۸
	۱۳۴۳	۵۶/۴۷
	۱۳۴۴	۹۲/۹۷
	۱۳۴۵	۷۷/۸۲
	۱۳۴۶	۱۵۶/۸۹
	۱۳۴۷	۱۱۰/۱
	۱۳۴۸	۱۱۷/۷
	۱۳۴۹	۱۲۷/۲۳
	۱۳۵۰	۱۴۸/۶۶
	۱۳۵۱	۴۹/۴
	۱۳۵۲	۱۶۹/۹۱
	۱۳۵۳	۱۴۴/۱۸
	۱۳۵۴	۱۶۸/۳۳
	۱۳۵۵	۱۴۸/۳۵
۱۳۵۶	۱۱۷/۳۳	
۱۳۵۷	۱۸۲/۳۷	
میانگین کل بارندگی		۱۲۳/۲۷

جدول ۴. میزان بارندگی دهستان جرقویه ۱۳۴۶-۱۳۵۵<sup>۱</sup>

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
جرقویه (پیکان)	۱۳۴۶	۷۱/۸
	۱۳۴۸	۳۷/۵
	۱۳۴۹	۴۹
	۱۳۵۰	۴۸
	۱۳۵۱	۵۰
	۱۳۵۳	۹۷
	۱۳۵۴	۵۴
	۱۳۵۵	۱۱۶/۵
میانگین کل بارندگی		۶۵/۴۷۵

جدول ۵. میزان بارندگی دهستان خوروبابانک ۱۳۴۶-۱۳۵۷<sup>۲</sup>

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
خوروبابانک (بیاضیه)	۱۳۴۶	۲۴۶/۶
	۱۳۴۷	۱۳۳/۲
	۱۳۴۸	۱۶۴
	۱۳۵۲	۱۱۶

۱. ر.ک: وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه‌های سرشماری (اردستان، ص ۳، اصفهان، ص ۷-۳، شهرضا، ص ۲، فریدن، ص ۱، گلپایگان، ص ۳، ناین، ص ۴، نجف‌آباد، ص ۳).
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. ج ۷، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱-۴۹. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان، ج ۸، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱-۲۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. ج ۲، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۶-۱۰۵. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۲۹). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۳. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۳۸، ۲۰۹، ۲۴۱، ۲۹۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۰). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۶ بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۹۵، ۱۵۲، ۲۳۸، ۲۶۳، ۲۸۴، ۳۲۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۲). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۱۰. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۱۳، ۶۱، ۶۶، ۱۰۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۹۹، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۷۶، ۴۹۱.
۲. ر.ک: وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه‌های سرشماری (اردستان، ص ۳، اصفهان، ص ۷-۳، شهرضا، ص ۲، فریدن، ص ۱، گلپایگان، ص ۳، ناین، ص ۴، نجف‌آباد، ص ۳).
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. ج ۷، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱-۴۹. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان، ج ۸، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۱-۲۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. ج ۲، تهران: مرکز آمار ایران، ص ۶-۱۰۵. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۲۹). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۳. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۳۸، ۲۰۹، ۲۴۱، ۲۹۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۰). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۶ بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۹۵، ۱۵۲، ۲۳۸، ۲۶۳، ۲۸۴، ۳۲۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۲). زیر نظر علی رزم‌آرا. ج ۱۰. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ص ۱۳، ۶۱، ۶۶، ۱۰۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۹۹، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۷۶، ۴۹۱.

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
خوروبابانک (بیاضیه)	۱۳۵۳	۵۶
	۱۳۵۵	۹۱/۵
	۱۳۵۷	۱۱۴
میانگین کل بارندگی		۱۳۱/۶۱۴۳

جدول ۶. میزان بارندگی شهرستان شهرضا ۱۳۴۶-۱۳۵۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته	
شهرضا (مهیار)	۱۳۴۶	۱۵۸/۵	
	۱۳۴۷	۱۴۰/۷	
	۱۳۴۸	۱۲۷/۴	
	۱۳۴۹	۱۵۴/۶	
	۱۳۵۰	۱۳۶/۹	
	۱۳۵۲	۱۵۸/۶	
	۱۳۵۳	۱۲۸/۷	
	۱۳۵۴	۱۳۱/۳	
	۱۳۵۵	۱۳۰/۴	
	۱۳۵۶	۱۲۳	
	۱۳۵۷	۱۲۰/۲	
	میانگین کل بارندگی		۱۳۷/۲۸۳۶

جدول ۷. میزان بارندگی دهستان چادگان ۱۳۵۴-۱۳۵۵

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
فریدن (چادگان)	۱۳۵۴	۱۵۳/۵
	۱۳۵۵	۲۲۶
میانگین کل بارندگی		۱۸۹/۷۵

جدول ۸. میزان بارندگی شهر داران ۱۳۵۴-۱۳۵۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
داران (کلبعلی)	۱۳۵۴	۳۶۱/۴
	۱۳۵۵	۴۲۴/۴
	۱۳۵۶	۲۸۶/۸
	۱۳۵۷	۲۵۲/۷
میانگین کل بارندگی		۳۳۱/۳۲۵

جدول ۹. میزان بارندگی فلاورجان ۱۳۴۴-۱۳۵۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
فلاورجان (طاد)	۱۳۴۴	۱۳۰/۳

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
	۱۳۴۵	۹۸/۸
	۱۳۴۶	۱۶۴/۴
	۱۳۴۷	۱۷۹/۱
	۱۳۴۸	۱۵۶/۲
	۱۳۴۹	۱۵۹/۵
	۱۳۵۰	۱۷۲
	۱۳۵۱	۷۱
	۱۳۵۲	۱۷۵
	۱۳۵۳	۱۷۱/۵
	۱۳۵۴	۲۳۴
	۱۳۵۵	۱۸۱/۵
	۱۳۵۶	۱۴۶
	۱۳۵۷	۱۷۰/۲
	میانگین کل بارندگی	

جدول ۱۰. میزان بارندگی دهستان کوهپایه ۱۳۴۴-۱۳۵۶

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
کوهپایه	۱۳۴۴	۱۴۷/۲
	۱۳۴۵	۸۲/۸
	۱۳۴۶	۸۱
	۱۳۴۷	۵۵
	۱۳۴۸	۵۴/۵
	۱۳۴۹	۳۴
	۱۳۵۰	۵۲
	۱۳۵۱	۲۴
	۱۳۵۲	۱۲۹
	۱۳۵۳	۴۹
	۱۳۵۴	۴۰
	۱۳۵۵	۵۹/۵
	۱۳۵۶	۳۸/۵
	میانگین کل بارندگی	

جدول ۱۱. میزان بارندگی شهرستان لنجان ۱۳۴۴-۱۳۵۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
لنجان (کلیشاد رخ)	۱۳۴۴	۳۰۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
لنجان (کلیشاد رخ)	۱۳۴۵	۲۳۲/۵
	۱۳۴۶	۳۳۸
	۱۳۴۷	۳۲۹
	۱۳۴۸	۳۶۴
	۱۳۴۹	۲۵۹/۵
	۱۳۵۰	۲۷۲/۸
	۱۳۵۱	۲۰۲
	۱۳۵۲	۲۵۵/۵
	۱۳۵۳	۲۷۲
	۱۳۵۴	۳۸۵/۵
	۱۳۵۵	۴۳۰/۴
	۱۳۵۶	۲۹۰/۸
	۱۳۵۷	۲۸۰/۴
	میانگین کل بارندگی	

جدول ۱۲. میزان بارندگی شهرستان نجف‌آباد ۱۳۴۶-۱۳۵۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته	
نجف‌آباد (کردعلیا)	۱۳۴۶	۳۹۲/۱	
	۱۳۴۷	۵۱۶/۵	
	۱۳۴۸	۲۵۴/۲	
	۱۳۴۹	۳۲۹/۸	
	۱۳۵۰	۳۵۸/۵	
	۱۳۵۱	۲۵۶/۶	
	۱۳۵۲	۲۷۶/۸	
	۱۳۵۳	۳۶۴/۲	
	۱۳۵۴	۳۹۶/۴	
	۱۳۵۵	۵۴۷/۹	
	۱۳۵۶	۲۹۲/۴	
	۱۳۵۷	۲۹۹/۳	
	میانگین کل بارندگی		۳۵۷/۵۸۳۳

جدول ۱۳. میزان بارندگی شهر همایونشهر ۱۳۴۶-۱۳۵۷

نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
همایونشهر (اسفریز)	۱۳۴۶	۱۵۷/۳
	۱۳۴۷	۱۵۷



نام ایستگاه هواشناسی	سال	مجموع بارندگی ۲۴ ساعته
همایونشهر (اسفریز)	۱۳۴۹	۱۲۲/۲
	۱۳۵۰	۲۱۶/۶
	۱۳۵۲	۱۵۶/۸
	۱۳۵۳	۱۳۷/۳
	۱۳۵۴	۱۴۶/۷
	۱۳۵۵	۱۲۶/۵
	۱۳۵۶	۱۲۹/۳
	۱۳۵۷	۱۵۸/۷
	میانگین کل بارندگی	

این اعداد گویای میانگین پایین بارش در اصفهان است؛ عاملی که خشکسالی‌های پیوسته، بازتاب مهم آن محسوب می‌شود. در سال‌هایی که استان با بحران‌های طبیعی درگیر بود، تلاش مسئولان به دریافت اعتبارات بانکی، مواد غذایی و تخفیف مالیاتی معطوف بود. اگرچه این اقدامات لازم و حیاتی بود، حفظ و پایداری جمعیت در روستاها به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت روستایی نیاز داشت.

#### ۴. نتیجه‌گیری

روستاهای استان اصفهان در دوره پهلوی به‌علت ضعف بنیۀ مالی و نداشتن امکانات، در مواجهه با حوادث طبیعی آسیب‌پذیر بود. دولت با توجه به هزینه‌های سنگین جبران خسارت در برنامه‌ عمرانی پنجم (۱۳۵۲)، ضرورت پیشگیری و آمادگی در برابر مخاطرات طبیعی را به‌عنوان یک حلقۀ اجتناب‌ناپذیر در برنامه‌های توسعه‌ای پذیرفت. از سوی دیگر انواع محدودیت‌های اعتباری، فنی و نارسایی‌های ساختار اداری موجب شد تأثیرات متوالی و پایدار این بحران‌ها مانند قحطی، فقر و بیکاری همواره زندگی روستاییان را تهدید کند. مقامات مسئول استانی نیز در مقابله با بحران‌های طبیعی، شیوه‌های مقطعی و براساس ضرورت زمان و مکان را دنبال می‌کردند که نتیجۀ مثبت و بلندمدتی نداشت؛ بنابراین چرایی مهاجرت روستاییان اصفهان را باید در تداوم این مسائل جست‌وجو کرد. سرانجام حوادث طبیعی جمعیت روستاها و بازدهی بخش کشاورزی را کاهش داد و تعادل اجتماعی میان شهرها و روستاها را بر هم زد. این عدم توازن که ابتدا با کاهش محسوس ساکنان روستاهای اصفهان همراه بود، به‌تدریج با کم‌رنگ‌شدن نقش روستاییان در تولید محصولات اساسی همراه شد؛ موضوعی که به ناکارآمدی برنامه‌های توسعه در این دوره افزود و وابستگی به خارج را در تأمین کالاهای اساسی تشدید کرد.

## منابع

- آگهی در مورد دفع سن در استان دهم (۱۳۳۱). شناسه سند ۹۷/۳۳۹/۱۳۸۹، برگ ۱، ۳۳۹/۱/۲۵.
- آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۵). فراز و فرود دودمان پهلوی. ترجمه اردشیر لطفعلیان. بی‌جا: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- اداره کل هواشناسی استان اصفهان.
- اعتراض به تشخیص مازاد گندم، صدور جواز حمل غله و تهیه بندر، آفات نباتی (۱۳۱۹). شناسه سند ۲۹۱/۳۵۶۶، برگ ۳۲۳، شماره پرونده ۲۲/۲۳.
- اعطای وام گندم به کشاورزان و خرده‌مالکان نایین (۱۳۳۷). شناسه سند ۲۳۰/۲۹۲۱۲، برگ ۱۹، شماره پرونده ۴۵۱۵۷۴۰.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۲). خاطرات من. جلد ۲. بی‌جا: حیدری.
- اهداف اساسی برنامه عمرانی پنجم در زمینه عمران روستایی (۱۳۵۲). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۳۲۳، برگ ۱۲، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۳۲۳.
- بختیار، شاپور (۱۹۹۶). خاطرات شاپور بختیار. ویراستار حبیب لاجوردی. بی‌جا: مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد.
- بخشنامه‌ها (۱۳۴۰). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۱۹۸، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۲۱۹۸.
- برقی، حمید، قنبری، یوسف و حجاریان، احمد (۱۳۹۰). تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴، ۱۱۳-۱۲۸.
- بروز خشکسالی در بلوک عربستان گلپایگان (۱۳۲۷). شناسه سند ۳۱۰/۳۸۷۹، برگ ۶.
- تاجزاده، میر امین (۱۳۹۸). تمرکزگرایی در مهاجرت. تهران: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
- تقاضای اهالی دهات اردستان از حکومت جهت مساعدت به علت جاری شدن سیل (۱۳۱۴). شناسه سند ۲۹۱/۱۳۱۹، برگ ۲۷، شماره پرونده ۵/۷۸.
- تقاضای نماینده مجلس و کشاورزان منطقه شهرضا مبنی بر بررسی امکانات تهیه آب برای آنجا (۱۳۴۶). شناسه سند ۳۷۰/۳۶۰، برگ ۱۹، شماره پرونده ۳/۶۳۴.
- تلگراف رعایای سیل‌زده روستاهای برخوار و درخواست مساعدت از مقامات، ۱۵/۳۷/۹/۳۹-۱۰۱۱.
- جاری شدن سیل در روستای چوپانان انارک (۱۳۵۴). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۵۹۲، برگ ۲۰، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۵۹۲.

جلوگیری از مهاجرت کشاورزان نایین (۱۳۳۸). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۱۱۲۸، ۳۰ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۵۰۱.

جمالی، مسیح‌الله (۲۵۳۵). تاریخ شهرضا. اصفهان: ثقفی.

حکمت یغمایی، عبدالکریم (۱۳۶۹). بر ساحل کویر نمک. بی‌جا: توس.

حیدری نجات، علی (۱۳۹۸). دولت و مقابله با حوادث طبیعی در یکصد و ده سال گذشته. یزد: یادداشت نو.

خالدی، شهریار (۱۳۸۰). بلایای طبیعی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

خسارات وارده از سیل (۱۳۳۳). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۶۰۱۹، ۱۶۵ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۹۹۸. در خصوص کمک‌های مالی و توزیع اجناس و خواروبار و عمران جهت روستاهای استان‌ها و خلاصه احتیاجات دهات (۱۳۴۲). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۳۳۹۹، ۴۰۲ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۳۳۹۹.

در خصوص کنترل دقیق مسافرت روستاییان قراء شهرضا به مرکز (۱۳۳۵). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۲۱، ۴ برگ، شماره پرونده ۳۶۴/۱/۱۰.

درخواست ارسال غله به گلپایگان به دلیل خشکسالی و کمبود (۱۳۴۳). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۵۳۴۰، ۵ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۲۰۲.

درخواست اصلاح حوضه‌های آبخور زاینده‌رود (۱۳۰۷). شناسه سند ۳۱۰/۶۴۷۳۶، ۶ برگ، شماره پرونده ۱۱۸۰۰۹/۱۱۹۴.

درخواست دفع آفت سن در اراضی کشاورزی لنجان (۱۳۲۶). شناسه سند ۳۱۰/۶۳۹۸۱، ۳ برگ، شماره پرونده ۱۱۸۰۰۳/۴۴۰.

درخواست رسیدگی به مسئله کم‌آبی روستای میرآباد شهرضا (۱۳۴۶). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۴۱۸۵، ۳ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۴۱۸۵.

درمورد طرح شماره ۲۲۰ امور عام‌المنفعه مربوط به سیل‌بند نایین (۱۳۴۲). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۱۴۵۴، ۱۰ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۵۱۳.

دستور وزارت داخله برای اهالی اصفهان و توابع مبنی بر کشت و کار طبق سهم حقابه و خودداری از کشت محصولات پرمصرف آب (۱۳۱۱). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۸۵۱۲، ۱ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۲۷۶۲.

دفع آفات نباتی و شیوع امراض (۱۳۲۷). شناسه سند ۲۹۱/۳۴۸۰، ۱۹ برگ، شماره پرونده ۱۸/۴۲.

راجع به جلوگیری از عزیمت بیکاران به خوزستان (۱۳۳۰). شناسه سند ۹۷/۳۶۴/۸۵۷، ۱ برگ، شماره پرونده ۲۶۴/۱/۲۷.

راجع به جلوگیری از هجوم بیکاران شهرستان‌ها به تهران (۱۳۳۷). شناسه سند ۹۷/۲۶۰/۲۳۳، ۳ برگ، شماره پرونده ۲۶۰/۱/۲۳.

ربانی، رسول و علیزاده اقدم، محمداقبر (۱۳۹۲). حاشیه‌نشین شهری. اصفهان: دانشگاه اصفهان. رسیدگی به خسارات وارده از سیل و زلزله به اماکن و روستاهای نایین و خور (۱۳۳۲). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۰۴۳۲، ۳۲ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۴۷۷.

رسیدگی به وضعیت نان و ارزاق، آفات نباتی (۱۳۳۴). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۳۷۷۹، ۴ برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۳۷۷۹.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی، صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۸۹). تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده حوضه گرگانرود استان گلستان). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، (۲)، ۱-۲۶.

روزنامه اصفهان (۱۳۵۰)، شماره ۲۵۵۱.

روزنامه اصفهان (۱۳۵۲)، شماره ۳۷۵۱.

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷)، شماره ۴۹۰.

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷)، شماره ۷۰۰.

روزنامه اطلاعات (۱۳۱۵)، شماره ۲۸۹۳.

روزنامه اطلاعات (۱۳۳۲)، شماره ۸۳۳۷.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۴). مهاجرت. چاپ چهارم. تهران: سمت.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اردستان. جلد ۲۱. تهران: مرکز آمار ایران.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سمیرم. جلد ۱۷. تهران: مرکز آمار ایران.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا. جلد ۱۹. تهران: مرکز آمار ایران.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان فریدن. جلد ۲۳. تهران: مرکز آمار ایران.

- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان گلپایگان. جلد ۱۶. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نایین. جلد ۱۸. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نجف‌آباد. جلد ۲۰. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نطنز. جلد ۱۵. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. جلد ۷. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. جلد ۸. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اردستان. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اصفهان. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سمیرم. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان شهرضا. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان فریدن. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان گلپایگان. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان لنجان. تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نایین. تهران: مرکز آمار ایران.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نجف‌آباد. تهران: مرکز آمار ایران.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نطنز. تهران: مرکز آمار ایران.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). فرهنگ آبادی‌های کشور، استان اصفهان. جلد ۲. تهران: مرکز آمار ایران.

شفیعی، علی (۱۳۷۲). گرکویه (جرقویه) سرزمینی ناشناخته بر کران کویر. اصفهان: گلبن.  
شکایات زارعین فریدن در خصوص آفت‌زدگی محصول و کمک‌رسانی به روستاهای آسیب‌دیده (۱۳۲۸). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۵۱۱، برگ، شماره پرونده ۱۰/۱۵۱۱.

شکایت اهالی قهپایه از آفت محصول و مطالبه مالیات جزو جمعی، ۱۰/۱۱-۸/۱۹۵/۱۵/۱/۱۴.  
شکایت رعایای روستای بادرود نطنز از ویرانی سیل و تخریب قنوات، ۷/۱۴۳/۲۸/۲/۶۰.  
صدور پروانه تهیه نان و آرد، خرید و فروش گندم به روستاها، هجوم آفات نباتی (۱۳۱۹). شناسه سند ۲۹۱/۳۶۳۱، برگ، شماره پرونده ۱۶/۴۹.

صورت‌جلسات انجمن شهر اصفهان (۱۳۵۵). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۹۸۳۳، برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۳۷۷.

طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۳). تبیین شاخص‌های مدیریت حوادث با رویکرد پیشگیری از وقوع بحران. مجله کمال مدیریت، ۴-۵، ۷۴-۵۳.

عابدی، حسن (۱۳۳۴). اصفهان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی. بی‌جا: بی‌نا.  
عابدی، قدرت‌الله (۱۳۷۷). بررسی بلایای طبیعی و نقش آن در توسعه پایدار با تأکید بر ایران. مجله اطلاعات جغرافیایی، ۲۸، ۶۴-۵۲.

عبدالله اف، ز. ز (۱۳۵۶). طبقات بورژوا و کارگر در ایران در اوایل قرن بیستم. ترجمه حسین ادیبی. مجله نامه علوم اجتماعی، ۷، ۳-۳۲.

عطائی، منصور و همکاران (۱۳۴۳). گزارش‌ها و تحقیقات گروه‌های تحقیق: گزارش اقتصادی دربارهٔ زراعت‌های منطقه اصفهان و یزد (استان دهم). مجله تحقیقات اقتصادی، ۹-۱۰، ۱۸۵-۸۱.

علم، اسدالله (۱۳۷۰). خاطرات علم. ویرایش علینقی عالیخانی. ج ۴. لندن: بی‌نا.  
علمداری، شهرام (۱۳۸۹). الگوها و دیدگاه‌ها در مدیریت بحران. تهران: بوستان حمید.  
عملکرد مأموران جمع‌آوری مازاد غله استان اصفهان، قحطی، خشکسالی (۱۳۲۳). شناسه سند ۲۹۱/۳۶۷۳، برگ، شماره پرونده ۱۲/۲۲.

- فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۲۹). زیر نظر علی رزم‌آرا. جلد ۳. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۰). زیر نظر علی رزم‌آرا. جلد ۶. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۲). زیر نظر علی رزم‌آرا. جلد ۱۰. بی‌جا: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)  
کردوانی، پرویز (۱۳۸۰). خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران. تهران: دانشگاه تهران.  
کشاورزی شهرضا (۱۳۱۹). شناسه سند ۹۷/۳۳۹/۲۳۳۴، ۲۶ برگ، شماره پرونده ۳۳۹/۱/۴۹  
کلباسی، علی (۱۳۵۳). اقتصاد شهر اصفهان. تهران: فاروس.  
کمبود آب زاینده‌رود و درخواست کشاورزان رودشت ممنوعیت کشت شلتوک در بالادست (۱۳۲۶).  
شناسه سند ۳۱۰/۶۴۹۲۳، ۱۸ برگ، شماره پرونده ۱۱۸۰۰۹/۱۳۸۱.  
کمک به آسیب‌دیدگان ناشی از سیل در روستاهای خور (۱۳۴۵). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۰۸۸۲، ۲۹  
برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۴۹۳.  
گزارش فعالیت وزارتخانه‌ها (۱۳۳۳). شناسه سند ۲۳۰/۳۹۰۹۳، ۴۵ برگ، شماره پرونده ۱۶۲۸.  
گزارش نتیجه بررسی مسائل منطقه‌ای استان اصفهان در زمینه امور کشاورزی توسط بازرسان  
شاهنشاهی (۱۳۵۶). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۴۶۱، ۵۷ برگ، شماره پرونده ۲۲۶/۴۶۱.  
گزارش وضعیت محصولات گندم و جو سن‌زده در روستاهای استان اصفهان و تقاضای تأمین ارزاق  
(۱۳۱۹). شناسه سند ۲۶۰/۹۶۳، ۹۸ برگ، شماره پرونده ۴/۳۵۳.  
گزارش‌های ماهیانه استانداری اصفهان (۱۳۵۶). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۳۷۸۵، ۲۰۸ برگ، شماره  
پرونده ۲۹۳/۱/۳۷۸۵.  
گزارشی از وضعیت اسفناک کشاورزان در گلپایگان (۱۳۲۷). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۵۱۹۲، ۲۸ برگ،  
شماره پرونده ۲۹۳/۱/۸۸۶.  
گودرزی، داریوش (۱۳۵۰). موقعیت جمعیتی اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی، به راهنمایی ایرانپور  
جزنی. تهران: دانشگاه ملی ایران.  
مالجو، محمد (۱۴۰۰). کوچ در پی کار و نان. تهران: اختران.  
مبارزه با آفات گیاهی نایین (۱۳۳۸). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۱۰۴۸، ۱۸ برگ، شماره پرونده  
۲۹۳/۱/۴۹۸.

- متین دفدری، احمد (۱۳۷۰). *خاطرات یک نخست‌وزیر*. تدوین باقر عاقلی. تهران: علمی.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۳۹۸). *خاطرات عبدالمجید مجیدی*. ویراستار حبیب لاجوردی. تهران: گام نو.
- محمدی آئین، شهرزاد، جعفری، علی‌اکبر و کجباف، علی‌اکبر (۱۴۰۰). تبیین عملکرد کدخدایان در مدیریت بحران‌های طبیعی روستاهای استان اصفهان در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷). *فصلنامه تاریخ ایران*، ۱۴ (۱)، ۲۴۲-۲۶۰.
- محمودزاده، امیر، هاشمی، مهدی و یوسفی، فریبا (۱۳۹۲). *سناریونویسی در مدیریت بحران‌های طبیعی*. اصفهان: علم آفرین.
- مذاکرات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی، ۱۱ آذر، ۱۳۴۲ ش.
- مذاکرات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی، ۱۹ دی، ۱۳۴۲ ش.
- مذاکرات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، ۲ مرداد، ۱۳۲۷ ش.
- مذاکرات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، ۱۹ آذر، ۱۳۲۹ ش.
- مرتضوی، مسعود (۱۳۸۳). *مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن در دوره پهلوی دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۰). *اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷ ه. ش*. به کوشش محمدحسن صالحی‌مرام، ایرج محمدی و علی‌اکبر رضایی. تهران: خانه کتاب.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۲). *برنامه پنجم عمرانی ۱۳۵۲-۱۳۵۶ ش*. rc.majlis.ir
- مطالعات لازم جهت کنترل خشکسالی و اعطای وام به کشاورزان خسارت‌دیده شهرضا (۱۳۴۶). شناسه سند ۲۰۵۲۵/۲۹۳/۹۷، برگ ۳۴، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۴۶۶.
- معینیان، محمدتقی (۱۳۸۶). *میمه شهری ناشناخته در حاشیه کویر*. اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.
- مقاله‌ای درمورد عوامل تأثیرگذار در کشاورزی، حمایت‌های دولت در بیمه (۱۳۲۶). شناسه سند ۲۴۰/۱۸۲۷۸، برگ ۱۴۴، شماره پرونده ۳۲۸/۸.
- مکاتبات اداری در زمینه حوادث غیرمترقبه منطقه میمه (۱۳۳۵). شناسه سند ۲۳۵۷۵/۲۹۳/۹۷، برگ ۹۴، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۸۵۶.
- مکاتبه در خصوص کمک به اهالی قریه عطاآباد به دلیل خشکسالی در آن منطقه (۱۳۴۰). شناسه سند ۳۷۷۰/۲۹۳/۹۷، برگ ۹، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۳۷۷۰.



- ممانعت از مهاجرت بیکاران به شهرها و سایر نقاط ایران (۱۳۲۹). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۴۴۲، برگ ۶، شماره پرونده ۱۰/۱۴۴۲.
- ممانعت از مهاجرت کشاورزان در شهرضا (۱۳۲۹). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۰۳۵۴، برگ ۳۱، شماره پرونده ۲۳/۱/۱۴۴۸.
- مهاجرت کشاورزان، بخشنامه‌های وزارت کشور به استانداری اصفهان (۱۳۲۹). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۰۰۵۶، برگ ۸۷، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۴۱۵.
- نقوی، محمدرضا و بیگلری، شادی (۱۳۹۲). نقش مخاطرات طبیعی (خشکسالی کشاورزی) در مهاجرت روستایی، با استفاده از روش (SAW)؛ نمونه موردی: دهستان شهدا شهرستان بهشهر. نشریه جغرافیای طبیعی، ۱۹، ۸۵-۹۸.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری اردستان.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری اصفهان.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری شهرضا.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری فریدن.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری گلپایگان.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری نایین.
- وزارت کشور (۱۳۳۵). گزارش مشروح حوزه سرشماری نجف‌آباد.
- وضعیت نابسامان چند روستا در اطراف گلپایگان از وقوع خشکسالی و کمک صندوق تعاون روستاییان به آن‌ها (۱۳۳۹). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۳۱۱۴۸، برگ ۲، شماره پرونده ۶/۳۹/۹۰۸.
- وقوع خشکسالی و قحطی در فریدن و تقاضا از وزارت مالیه جهت ارسال کمک‌های غذایی (۱۳۱۳). شناسه سند ۲۴۰/۲۵۱۷۹، برگ ۳، شماره پرونده ۱۳/۱/۲۵۰۳۷.
- وقوع سیل در روستاهای اصفهان (۱۳۳۳). شناسه سند ۲۳۰/۵۶۳۳۱، برگ ۳۱، بدون شماره پرونده.
- وقوع سیل در روستاهای اطراف رودخانه و کمک مالی به آن‌ها در گلپایگان (۱۳۳۷). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۶۵۵۲، برگ ۲۴، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۰۵۵.
- وقوع سیل در گلپایگان و حومه (۱۳۱۳). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۱۷۶۱۴، برگ ۴، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۳۴۰.
- وقوع سیل و ایجاد خسارات در چند روستای گلپایگان و کمک‌رسانی به آنجا (۱۳۲۸). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۱۸۷۲، برگ ۳۸، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۵۹.

وقوع سیل، تخریب قنات‌ها و کمک به سیل‌زدگان شهرضا (۱۳۳۹). شناسه سند ۹۷/۲۹۳/۲۰۴۳۱، برگ، شماره پرونده ۲۹۳/۱/۱۴۵۷.

هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۹). بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.

هجوم آفت سن و کم‌آبی در اراضی اصفهان (۱۳۰۷). شناسه سند ۳۱۰/۴۵۳۵، برگ، شماره پرونده ۱۰۱۰۰۹/۴۵۱۷.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۵). تاریخ اصفهان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. هوگلاند، اریک (۱۳۹۲). زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰. ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش.

یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۳۴۴-۱۳۶۰ ش (۱۳۸۹). ویراستار بارل. آر. ام. ترجمه افشار امیری. جلد ۱۴. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

یگانه، محمد (۱۳۹۹). خاطرات محمد یگانه. به کوشش حبیب لاجوردی. تهران: ثالث.